

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲۹ دیماه ۱۳۱۹ *

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
۲ - شور دوم و تصویب لایحه مواد الحاقی به قانون آئین دادرسی مدنی
۳ - پیشه شور اول لایحه طرز اجرای احکام دادگستری از ماده ۸ تا ۱۱
۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس سه ربع ساعت پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه ۲۲ دی ماه را آقای (طوسی) منشی خواندند: *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؛ (گفتند - خیر)
صورت مجلس تصویب شد.

[۲ - شور دوم و تصویب لایحه مواد الحاقی بقانون آئین دادرسی مدنی]

رئیس - شور دوم مواد الحاقی به قانون آئین دادرسی مدنی مطرح است. گزارش کمیسیون خوانده میشود:
گزارش شور دوم از کمیسیون قوانین دادگستری

به مجلس شورای ملی

پیشنهاد آقای صدر نماینده محترم راجع بماده ۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی موشوع لایحه شماره ۲۵۹۱۸ دولت که در موقع شور دوم نموده بودند و بکمیسیون ارجاع شده بود

با حضور آقای وزیر دادگستری مورد شور و مطالعه قرار گرفته در نتیجه با تأمین نظر به ماده اصلی بشرح زیر اصلاح و اینک گزارش آنرا تقدیم مجلس شورای ملی مینمایم.

مواد الحاقی بقانون آئین دادرسی مدنی

ماده اول - حکم مقرر در ماده ۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی راجع ب لزوم داشتن و کبیل برای تقدیم دادخواست و دادرسی در دادگاه های استان و دیوان کشور تا وقتی که در حوزه های قضائی کشور و کلاهی مجاز برای وکالت در دادگاه های استان و دیوان کشور بوده کافی معین نکرده و از طرف وزارت دادگستری آگاهی نشده است اجرا نمیکرد و طر فهای دعوی میتوانند شخصاً دادخواست بپرواهی و فرجامی بدهند و دادرسی بخوانند.

(مطابق قانون ۲۸ آذرماه ۱۳۰۵)

* عین مذاکرات مشروح هفتاد و پنجمین جلسه از دوره دوازدهم قانون گذاری

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس:

* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

غائبین با اجازه - آقایان: منتهی - آزادی - ظلمی - نقابت - حزه ناش - بودامیان - پارسا.
غائبین بی اجازه - آقایان: امیرنسور - نجات الاسلامی - دکتر امری - مهمل - تولیت - مؤید قوامی - کلل ماکو - مشیر دوقمی - مینی - اعظم زنک - کیوان.
درآمدکن با اجازه - آقایان: انبال - محمد طباطبائی - محمودی خراستی.
درآمدکن بی اجازه - آقایان: بیات - تک پرو.

داد خواستهای پژوهشی و فرجامی که پس از اجرای قانون آئین دادرسی مدنی داده شده و باستاند ماده ۵۸ قانون مزبور قرار و اژدن آنها صادر گردیده با بی تکلیف داد قابل پذیرفتن است.

ولیس - آقای ارجدی.

ارجدی - عرضی را که در اطراف این ماده بنده کرده بودم آن شبچه که منظور بنده بود آن نتیجه حاصل شده زیرا بنده با اجبار تشخیص دادم که خواستهای پژوهشی و فرجامی بسط و گسترش یافته و از این اصلاح بقیه بنده و الحاق بقیه آقایی وزیر دادگستری آن نتیجه برای بنده حاصل است. الحاقی هم از این که به ماده باشد یا به آئین دادرسی مدنی همان اشکالی را که بنده عرض کرده بودم آن اشکال بحال خودش باقی خواهد ماند زیرا ماده ۵۸ منزل شد و دیگر تا بیری نخواهد داشت و بعداً در حکم نسخ است خواه گفته شود که این ماده مواد الحاقی است یا گفته شود مواد اصلاحی بقیه بنده آن اشکال باقی است. حال که باین طریق این ماده اصلاح شده باشد یک اشکال کوچک خودم دارم که ممکن است با یک توضیحی آن اشکال بنده مرتفع و نظر بنده فاین شود. از نتیجه این ماده بدینطور استنباط میکنم که کلیه دادخواستهای پژوهشی و فرجامی که مستنداً به ماده ۵۸ در تصویب این ماده تا بحال صادر شده کما لیکرین خواهد بود یعنی قرارهای وارزه چه در پژوهش و چه در فرجام بلا اثر است یعنی میتوانستند احیاناً دادخواستی از تصویب این ماده مراجع کنند به پژوهش و فرجامی که به فرجام و از نو پژوهش یا فرجام بنده اند. اشکالی که برای بنده هست این است که این پژوهش و فرجامی در فرجام خواستن در آن قسمتی که بعد از وارزن هنوز علیانی در اطراف احکام سابقه شده هیچ اشکالی ندارد اما اگر در از وارزه شدن آن پژوهش و فرجام یک عملیات اجرائی پیش آمده باشد آن عملیات اجرائی چه سوزی پیدا خواهد کرد یا یک توضیح ممکن است که نظر بنده فاین شود یعنی پس از وارزه شدن اگر در وقت اجرائی صادر شده باشد و قضیه مرحله

که در دیوان نیز که دیوان کشور باشد دوسه های زیادی را کندمانده است برای خاطر این که در آیین افتاد اعضاء نداریم و برای این دوسه های که مانده است بایستی یک فکری بکنیم و آن فکر این است که باینهم مرجع استثنایی احکام صادره از صلاحیه را ابتدائی قرار بدهیم و مرجع تمیزی آنها را هم استثنای - بنابر این در تمیزی دوسه معطل میماند و زودتر دوسه های که هست جریان پیدا میکند و با این ترتیب هم به احکام تمیزی صلاحیه رسیدگی شده است هم کار جریان پیدا کرده است این قانون هم در دوره هتمت گذشت و تذکره دادند که یکی از ملاک راقیه هم این ترتیب در عملکردن هست که تمیزی صلاحیه را با استنباط رجوع میکنند و این قانون جاری بود تا وقتی که آئین دادرسی مدنی آمده است و یکی این را از میان برده است حلاله فکر کرده اند اگر بنا باشد احکام صلاحیه را تمیزی بدهیم قهراً به محلت پیش آمده که در آنوقت آن وزیر عدلیه سابق کر قرار شده است پیش آمد خواهد شد باینکه در دیوان کشور پرونده زیاد جمع شده است و کار جریان ندارد نظر نشان اینطور شده که اینها باینهم احکام صلاحیه و دادگاه بخش را کار آن استنباط و تمیزی میدهند (در قسم است) دادستان و رایگویی بکلی تمیزی ندارد و راز سد نومان بیلا را بگویند تمیزی دارد و قضا اگر این تقسیم را بکنیم دوسه ها کمتر میشود و جریان پیدا میکنند شاید این نظر عموم شده است اگرچه در این باب آقایی وزیر دادگستری این جواب را نداده اند ولی بنده تصور میکنم که از دو جهت بوده است. بازر این جهت بوده است و بازر جهت اینکه بیکهزار ریال را آفند اهمیت ندادند یعنی کسی که برای بیکهزار ریال از اول بیکرد از ابتدائی استنباط و تمیزی و زمان زیادی طول میکشد و مدنی از وقت و عمر این دادخواست دهنده را میگیرد از این جهت قیومت بکنیم نسبت باین آدم منظم بگویند که دست از حلت بردار و استنباط که وقتی دیگر تمیزی فرو یعنی بگویند که اینهمانی که صدتومانو کمتر دادخواست میدهند آن اندازه بنیه آن را نداده اند که دوام داشته باشند در

علیه و مراتب و مراحل را طی میکنند و از این جهت است که این تقسیم را کرده اند وقتی از این جهت باشد ممکن است بنده عرض کنم بر حسب سابقه ای که ما دانشم همان ترتیب بر گردد و باینهم و این برورده های تمیزی را با استنباط بنرفس هم منظور که قانون این مدت جریان داشت هفت سال هفت سال جریان داشت و شکلی و ایرادی هم بر او نبود آن چه عیب دارد تا اینکه ما باینهم و تفاوت و عدالت را محسوس کنیم بعدی که تمیزی از سد نومان بالاتر است یعنی دعوائی که سد نومان باشد در تمیزی بقره نمیشود. بنده دلیلی بر اینهمه باحق بدهد این مرتبه از حقوق و عدالت را بر داریم و خودد کنیم باینهمه دموشوع استحصالی کشید می شود یکی این است که برای این بیچاره دلان میوزد که این همه در عدلیه باشد این را بنده جواب عرض می کنم که خودش حاضر است برای گرفتن مال یا جلوگیری از نفوت مال خودش از ابتدائی و استنباط و تمیزی می کند بنده چرا دلم بسوزد و دایه مهر باشر از ما در هم که نمیشود خودش میل دارد و اگر بگویند که تمیزی کثرت زیاد است اولاً ممکن است گفت که یک شیء دیگر ایجاد کنیم و اگر هم این نمیشود و میگویند آفند د کتر نداریم که یک شیء ایجاد کنیم همان ترتیب که سابق بود احکام تمیزی صلاحیه را بدهیم بنشینانف در این صورت هم احتیاق حق شده نسرد هم اعتبار نسبت بیضی سلسله بکنیم که بگویند قابل فرجام نیست چرا آنچه دلیل قابل فرجام نیست و این حق است و دعوی است و ادعای حق خودش را می کند قانون و عدالت حق ندارد است که تمام مراحل را طی کند و میتوانم بروم تعقیب حق خودم را تا هر جائی بکنم شما میگویند حق نداری بچه دلیلی این نظر من بود که عرض کردم

بعضی - بنده تعجب میکنم که آقایان اعضاء کمیسیون مخصوصاً آقایانوار با اینکه در آیینامه ذکر کرده بود توضیحی هم که آقای وزیر دادگستری دادند کاملاً فاین شد من هم در این جا مطرح میکنم. در اینجا توضیح حق نمیشود میبایستی تمام

الطراف و جواب را در نظر گرفت بعد اگر اشکالی هست اظهار کرد. مرحله رسیدگی و دادرسی در مرحله پیشتر نیست که درجهای دهمی رسیدگی میکنند بکی مرحله نخستین و یکی پژوهشی و این آدم که صد تومان دعوی دارد در این هر دو مرحله رسیدگی میشود البته تقاضای فرجام برای موارد مخصوصی است و اگر آقا آمار دادخواست های فرجامی را دقت بنمایند خواهند دید که احکام فرجامی در دعوی مهم قریب صد هفتاد استوار میشود ممکن است سدی بیست بیات نقض قانون وجهت دیگری شکسته شود بنا بر این بنظر بنده این یک ارتقایی است با خود صاحب دعوی. شافرنس میکنند که در کشور ما الان صدتومان هم خیلی پول مهمی است و هر کس باشد هر کالسی باشد هر آدمی باشد دوزی سه چهار تومان کار میکند صد تومان خسارت خاکمان را حساب کنید اطلاق وقتش را حساب کنید مر اجماعاً و به محاسب حساب کنید آنوقت اشغال کردن اول وقت دادگاه را ملاحظه کنید آنوقت برای صدتومان یک مرتبه در هر حله نخستین رسیدگی میشود یک مرتبه هم در مرحله پژوهشی رسیدگی میشود و اگر در این دعوی یک اشتباهی در مرحله نخستین شده باشد در مرحله پژوهشی رفع این اشتباه میشود و با این کثرت کار و آن سابقه های که جز لیاضت در هم فرمودید آنوقت هم یک اشکالی بر خوردند و آن اشکال این بود که از احکام دادگاههای بخش تقاضای فرجامی میآمد بعد گاه استان و بیگ نوانسی بر خوردند که این طرز اصلاح کردند و اگر اطراف و جواب را در نظر بگیرید خواهید دید این یک ارتقایی است با صاحب دعوی و ماده هیچ اشکالی ندارد

رئیس - آقای دکتر جویان

دکتر موسی جویان - بنده تصور میکنم این اشکالی که آقای انوار کرد در مورد خرج از موضوع این ماده است در این ماده صحبت از این نمیکند که احکامی که تا یک هزار تومان است قابل فرجام نیست این موضوع قبلاً حل شده و در قانون آیین دادرسی شده احکامی که ناهزار تومان

رئیس - ماده ۸۶ :

ماده ۸۶ - مأمور اجرائی حکم را تعطیل یا توقیف نماید مگر در مواردی که قانون مینویسد یا بموجب قرارداد گاهی که حکم داده است و یا برضایت کسی محکومله در تعطیل یا توقیف اجراء .

رئیس - ماده ۸۷ :

ماده ۸۷ - در صورت فوت زن یا شوهر و با اقوام نسبی یا سببی محکوم علیه تازچه دوم از طبقه دوم عملیات اجرائی تا پنج روز بعد از فوت توقیف میشود .

رئیس - ماده ۸۸ :

ماده ۸۸ - عملیات اجرائی نسبت بدیوئی که بتر که تعلق میگردد در مدت فرجه برای قبول یا رد تر که شروع نمیشود لیکن در صورتیکه عملیات اجرائی نسبت باموال محکوم علیه قبل از فوت شروع شده باشد فوت محکوم علیه مانع ادامه عملیات اجرائی نسبت بآن اموال نخواهد بود .

رئیس - ماده ۸۹ :

ماده ۸۹ - در صورتیکه محکوم علیه زندانی باشد و نماینده ای برای اداره اموال خود نداشته باشد مهلت کافی برای تعیین نماینده باید داده میشود و در این مدت عملیات اجرائی بتوقیف میباشد .

رئیس - ماده ۹۰ :

ماده ۹۰ - اگر محکوم علیه مبتلا بمرض جنسی باشد ممکن است عملیات اجرائی موقتاً بتوقیف افتد .

رئیس - ماده ۹۱ :

ماده ۹۱ - مدتی که عملیات اجرائی توقیف میشود به سبب مواعدت نمیداند .

رئیس - ماده ۹۲ :

ماده ۹۲ - هزینه عملیات اجرائی را باید محکومله بپردازد و نماینده ای که هزینه منزه بر داشته نشده عملیات اجرائی که محتاج بترخیص است بتأخیر مینماید و مأمور اجراء باید محکومله را از علت تأخیر کلاً آگاه نماید .

رئیس - ماده ۹۳ :

ماده ۹۳ - محکومله میتواند هزینه های ضروری برای اجراء حکم را که پرداخته است از اولین پرداخت محکوم علیه برداشت نماید .

رئیس - ماده ۹۴ :

ماده ۹۴ - هر گاه محکوم علیه در حین اجراء فوت شود تا زمان مین شدن ورثه بایتم (در صورت صغر بودن آنها) اجراء توقیف میشود .

رئیس - ماده ۹۵ :

ماده ۹۵ - هر گاه محکوم علیه بزرگان بوده و در جریان اجراء ارتشکسته شود محکوم به دین باشد اجرائی توقیف میشود و ملایم بقررات ارجح بتصفیه امور ورثه است که برای پرداخت طلب محکومله اقدام خواهد شد .

رئیس - ماده ۹۶ :

ماده ۹۶ - در مواردی که اجراء حکم توقیف میشود عملیات اجرائی که شده است بحال خود باقی میماند و پس از رفع توقیف عملیات اجرائی را آنجا که کار توقیف شده است تصقیب خواهد شد و در این مورد هر گاه باقی ماندن مال بحال توقیف مقرر بوده و محکوم علیه تبدیل مال میشود در مال دیگری که برای استیفاء محکومله کافی باشد بتأمین و یا ضمانت معتبر بدهد مال توقیف شده از توقیف خارج میشود و الا آن مال بفروش رسیده و قیمت آن توقیف میگردد .

رئیس - ماده ۹۷ :

ماده ۹۷ - هر گاه بعد از فوت محکوم علیه ورثه منکر باشند تمام یا بعضی از تر که در دست خود آنها میباشد وجود تر که نزد آنها بوسیله بر گهای رسمی اثبات نشود و اموال ظاهری هم از متوفی بدست نیاید محکومله برای اجراء حکم باید در دادگاه صلاحیت دار جهت اثبات وجود تر که تر و وارث اقامه دعوی نماید .

رئیس - ماده ۹۸ :

ماده ۹۸ - محکوم علیه و محکومله میتواند هر یک دونفر گواه برای حضور در حین عملیات اجراء دعوت نمایند ولی عدم حضور گواه مانع از اجراء حکم نخواهد بود .

رئیس - ماده ۹۹ :

ماده ۹۹ - محکوم له حق دارد وسیله اجرای حکم را با مأمور اجرا بنماید.
 رئیس - ماده ۱۰۰:
 ماده ۱۰۰ - محکوم له حق دارد در حین عملیات اجرای حاضر باشد ولی نمیتواند دخالت در امر اجرای موده و تعلیلی بدهد که از وظائف مأمور اجرا است.
 رئیس - ماده ۱۰۱:

ماده ۱۰۱ - هر گاه محکوم علیه بوجوب حکم داد گاه یا سند لازم الاجرا طلبی از محکوم له داشته باشد یا وجود شرایط پایبایی محکوم به در مقابل طلب محکوم علیه پایبایی نمیکرد و در صورتی که شرایط پایبایی بین دو دین موجود نباشد هر یک از داین و مدیون میتوانند درخواست کنند که طلب آنها در مقابل بدعی احتساب گردد
 رئیس - ماده ۱۰۲:

ماده ۱۰۲ - مأمور اجرا محکوم به را بمحکوم له تسلیم نموده قبض رسید میکند و هر گاه محکوم به نیابد بمشارایه داده شود بمحکمه که حکم داده است تسلیم میشود.

رئیس - ماده ۱۰۳:
 ماده ۱۰۳ - پس از اجرای حکم مدیر اجرا خاتمه امر را در برگه اجرائی قید مینماید
 رئیس - ماده ۱۰۴:

ماده ۱۰۴ - در صورتی که مال محکوم علیه کفایت حق طلبکار یا طلبکاران را نتواند مأمور اجرا مبلغ محکوم به را بداد گاه تسلیم مینماید که موافق باب ششم و قنات بشود.

رئیس - ماده ۱۰۵:
 ماده ۱۰۵ - هر گاه حکمی که بموقع اجرا گذاشته شده بواسطه شکستن آن در دیوان کشور با اعاده دادرسی از بین برود عملیات اجرائی آن کار بحالت قبل از اجرا بر میگردد و در این مورد ارائه حکم دیوان کشور یا حکمی که در زمینه اعاده دادرسی صادر میشود برای

میشود و وزارت با ادارات مربوطه مکلف است مفاد آن را اجرا نماید
 رئیس - ماده ۱۱۰:
 ماده ۱۱۰ - هر گاه محکوم علیه طوعاً حکم محکمه را اجرا نکند مأمور اجرا بوجوب مواد آیه حکم را اجرا مینماید

ماده ۱۰۶ - در صورتی که در جریان اجرای حکم محکوم علیه مدعی شود که محکوم به را پس از صدور حکم رد کرده یا مدعی شود که حق محکوم له بواسطه صلح و امانت آن ساقط گردیده و محکوم له منکر این ادعا بشود جریان اجرائی توقیف نمیشود و هر گاه دلیل ادعاء محکوم علیه بنظر اداره اجراء صحیح باشد بمراجعه بمحکوم علیه مهلت متناسبی میدهد که بنواند بداد گاه مراجعه نماید در این صورت اگر بعد از افتضاء مهلت دستوری از داد گاه راجع بتأخیر اجراء حکم داده نشود جریان اجرائی تعقیب میشود. در مورد این ماده دادن مهلت بیش از يك هفته جایز نیست

رئیس - ماده ۱۰۷:
 ماده ۱۰۷ - محکوم علیه میتواند در هر موقع محکوم به را در مستوفی داد کشری امانت گذارد و قبض آن را بداد گاه برای تسلیم بمحکوم له بدهد و با محکوم به را بمحکوم له مستقیماً بپردازد در این صورت عملیات اجرائی نسبت به مبلغی که داده شده است الفاء میشود و نسبت بآن مبلغ خسارت تأخیر اداء از تاریخش که امانت گذاشته یا بمحکوم علیه پرداخته است تعلق نمیکرد
 رئیس - ماده ۱۰۸:

ماده ۱۰۸ - در صورتی که محکوم له و محکوم علیه قرار دادی برای پرداخت محکوم به نمایندند اجراء مطابق قرار داد نام برده عمل مینماید
 رئیس - ماده ۱۰۹:

ماده ۱۰۹ - در صورتیکه محکوم علیه دولت و یا اداره دولتی باشد برگه اجرائی بوزارت یا ادارات مربوطه ابلاغ

۱ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه (رس - تصویب می فرمائید جلسه را ختم کنیم جلسه آینده روز یکشنبه ششم بهمن ماه سه ساعت پیش از ظهر دستور مراجع موجوده (مجلس ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

مواد الحاقی قانون آئین دادرسی مدنی

ماده اول - حکم مقرر در ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی مدنی راجع بلزوم دانستن و کابل برای تقدیم دادخواست و دادرسی در دادگاههای استان و دیوان کشور تا وقتیکه در حوزه های قضایی کشور و کلای مجاز برای و کالت در دادگاههای استان و دیوان کشور بیده کافی همین نگردد و از طرف وزارت دادگستری آ که پی بنده است اجرا بیکر دود و طرحهای دعوی میتوانند شخصاً دادخواست پژوهشی و فرجایی داده و دادرسی بخواهند.

دادخواستهای پژوهشی و فرجایی که پس از اجرای قانون آئین دادرسی مدنی داده شده و باستناد ماده ۴۸ قانون مزبور فرار و ازدن آنها صادر گردیده با بی تکلیف مانده قابل پذیرفتن است.

ماده دوم - الزام پیوست بودن و کالت نامه و کابل که در ماده ۴۹۲ و بند سوم ماده ۴۳۲ ذکر شده هنگامی است که دادخواست را و کابل داده باشد.

ماده سوم - در دعوی که خواسته آن بکهاز ریال با کبتر است کابه احکام و قرارهای راجع بهتفرعات آن دعوی مانند خسارت و غیره قابل رسیدگی فرجایی نیست.

این قانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه بیست و نهم دیماه بکهاز و سبید و نوزده بنویب مجلس شورای

رئیس مجلس شورای ملی - حسن استعدیاری

ملی رسید.